

کتاب

اصحاب استجاره و مسجد سہلہ

مداومت بر استجاره در مسجد سهله و توفیق تشرف با شناخت

مرحوم نهاوندی {۱۲۷۸-۱۳۶۹ هـ.ق} (در کتاب عبقری الحسان ج ۱ ص ۱۱۳، المسک الأذفر مسکة ۱) نقل کرده است: دیدن سیّد مهدی عبا‌باف نجفی است آن حضرت را در مسجد سهله و شناختنش: خبر داد ما را سیّد جلیل و عالم ثقه نبیل، حاج سیّد نصر الله اصفهانی، از سیّد تقی نقی، جوان عبا‌باف نجفی، سرطمه حّام قریب مدرسه قزوینها، مسّی به سیّد مهدی؛ و او از خویشان و اقربای اَبی الزّوجه مرحوم مبرور عالم تقی، حاج سیّد محمّد کاشانی بود؛ و همیشه آن سیّد بزرگوار مرحوم (مهدی عبا‌باف نجفی)، مداومت به تشرف مسجد سهله در لیالی اربعاء داشت. گفت: شبی با جمعی از رفقا مشرف شدیم. دیدیم در رکن قبله مسجد؛ طرف شرقی، همان جا که مقام حجّت عَلَيْهِ السَّلَام واقع در آن است، آن محل روشن است. پیش رفتیم، دیدیم سیّد بزرگواری در آن محراب مشغول عبادت است، و آن روشنی چراغ نیست، بلکه نور از وجه مبارک آن سرور، در دیوار را منور ساخته. به جای خود برگشته؛ باز نظر کردیم، آن صفّه را روشن دیدیم، گویا چراغ نوربخشی در آن گذارده اند. چون نزدیک شدیم، همان حال سابق را یافتیم، تا یقین کردیم که آن بزرگوار امام ابرار و نجل ائمه اطهار عَلَيْهِمُ السَّلَام است. مهابت آن حضرت همه ما را فرو گرفت. هر يك به جای خود، مانند شجر خشك، از حسّ و حرکت افتادیم، مگر من که چند قدمی از رفقا پیش رفتم. هر چه خواستم نزدیک روم؛ یا عرضی کنم؛ در خود یارایی ندیدم، مگر آنکه امری در خاطر آمد. عرض کردم: استخاره ای بفرمایید. دست مبارک باز نمود به آن سبحة (تسبیح) که به آن مشغول به ذکر معهود بود. قبضه ای قبض فرمود. بعد از حساب معدود، جواب فرمود: خوب است. بعد از چندی روی مبارک به سوی ما فرمود. مدّتی نظر فیض اثر بر ما مستدام داشت. گویا

عنایت آن بزرگوار انتظار داشت که حاجات دنیا و آخرت خویش را از درگاه لطف و عطایش درخواست نماییم. **چون سعادت و استعداد ما را یارایی نکرد، قفل خموشی، کام ما را مسدود داشت.** پس آن بزرگوار روانه به سمت درب مسجد گردید. چون قدری تشریف برد، قوّت در پای خود یافته؛ روان شدیم. چون خواست از درب مسجد بیرون رود، دومرتبه روی مقدّس به جانب ما فرمود، و مدّتی بدان حال بود، و ما چند قدم دور، از حسّ و حرکت افتادیم، و نامقدور شدیم، تا آنکه بالأخره از مسجد خارج شدیم، و در عرصه بین البابین رسیدیم. آن بزرگوار قدم به خارج باب ثانی (فضای اطراف دیوار مسجد) نهاد. به مجرّد آن، قوّت و شعور ما قوی گشت. فوراً، به سرعت هر چه تمامتر به سمت باب ثانی (درب بیرونی مسجد) دویدیم. به طرفه العین از باب ثانی خارج شده؛ نظر به اطراف بیابان انداخته، احدی را نیافتیم. در بیابان هر چه به اطراف و اکناف دویدیم، به هیچ وجه اثری نیافتیم، و مکشوف شد که به مجرّد خروج آن سرور از باب ثانی، از نظر مستور گردید. پس بر بی قابلیت و فوت ذکر مقاصد خود (حاجت خواستن حضوری)، بی اندازه دریغ خوردیم و متأثر شدیم.



پژوهشگردها و آموزشگردهاى بنياد حيات اعلى

علوم معرفت الهى - علوم زبان وحى - علوم كلام وحى

علوم تلاوت كلام وحى - علوم كلام خازنان وحى - علوم فقه آئين الهى

علوم تقويم نجوم تخيم - علوم طب جامع - علوم پاكزيستى

آموزش برتر (اعلى) - علوم برتر (اعلى) - علوم توانمندى بانسروى الهى

علوم عمارت برتر - علوم انساب و تبارشناسى - رسانه هاى حيات اعلى

طرح و برنامه ريزى پژوهشى و مديريت و اشراف علمى

دارالمعارف الإلهية

نشر ششم: يازدهم جمادى الآخري ١٤٣٧

www.Aelaa.net

aelaa.net@gmail.com

والحمد لله رب العالمين